

بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی - فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد)

علی اکبر عنابستانی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

سحر احمدزاده

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

فضایی عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی روستای برگ دارای بیشترین محدودیت و روستاهای دوله و سعیدآباد دارای کم‌ترین محدودیت هستند. با توجه یافته‌ها، راهکارهایی شامل تقویت زیرساخت‌های روستایی، تجهیز و سرمایه گذاری در امور اقتصادی روستاها، آموزش زنان و دختران روستایی، تشکیل بانک اطلاعاتی برای شناسایی قابلیت‌های زنان روستایی، ارتقای آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق، توانمندی‌ها و استعداد‌های خود و مزایای مشارکت در جامعه از طریق آموزش و رسانه‌های گروهی و غیره پیشنهاد شده است.

کلمات کلیدی: جمعیت، فاصله، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل سازمانی، دسترسی

مقدمه

بیان مسأله تحقیق - توجه به مسایل زنان به ویژه در فرایند توسعه به صورت یک رشته علمی از اوایل دهه ۱۹۷۰ شروع شد. این توجه ناشی از دو واقعیت مهم بود نخست، عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و شکست نظریات توسعه، دوم وضعیت نامطلوب اجتماعی

مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در روستاها در سالیان اخیر مورد توجه قرار گرفته است و در روند بعضی تصور می‌کنند که عوامل مکانی - فضایی می‌تواند در مشارکت یا عدم مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه نقش داشته باشد. در این مقاله تلاش شد تا میزان ارتباط عوامل مکانی - فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فرایند توسعه‌ی نواحی روستایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - تحلیلی و همبستگی است که بخش عمده‌ای از داده‌های آن بر اساس مطالعات میدانی و با روش نمونه‌گیری (کوکران) از سطح ۲۵۰ خانوار نمونه‌ی منطقه جمع‌آوری شده است. یافته‌های مطالعه بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون آماری همبستگی تیپ پیرسون نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین جمعیت، فاصله‌ی روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی به ترتیب با ضریب ۰/۶۴۶ و ۰/۶۹۷ وجود دارد، اما بر اساس آزمون آماری کراسکال والیس رابطه‌ی معنی‌داری بین نوع راه ارتباطی و موقعیت روستا با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود ندارد. در توزیع

اقتصادی و سیاسی زنان این کشورها. همان طور که فرایند توسعه در سطح کلان به شکاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انجامید در سطح خرد نیز از نظر جنسیتی به بدتر شدن وضعیت زنان در کشورهای در حال توسعه منجر شد. مهاجرت به شهرها و در هم ریختن الگوهای قدیمی بدون ارائه راهکارهای جدید منطبق با فرهنگ و نظام ارزشی جوامع از جمله دلایل این امر بوده است. از این رو برای درک و سپس چاره‌جویی مطالعات مربوط به زنان و توسعه مورد علاقه و توجه بسیاری از مراکز علمی شد. از نتایج مطالعات چنین حاصل آمد که گره کارها به نوعی با عدم توجه به نقش زنان در تصمیم‌گیری‌ها و... ارتباط دارد که خود مسئله مشارکت را مطرح می‌سازد (مصفا، ۱۳۷۵: ۱).

در برنامه‌های توسعه باید اولویت اصلی را به توسعه منابع انسانی اختصاص داد و در این راستا زنان که نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند به نیمی از سهم سرمایه‌گذاری در توسعه منابع انسانی از سوی دولت‌ها نیاز دارند. لذا روند توسعه منابع انسانی در امور زنان نیز باید از افزایش کارایی نیروی کار زنان فراتر رود و رشد شخصیتی همه جانبه آنان را در فرایند توسعه دنبال کند. در بخش تحقیق که عهده دار ایجاد دانش مورد نیاز و درک شفاف و بهتری از وضعیت موجود است، نیازمند تحقیقات گسترده‌ای هستیم که محدودیت‌های گذشته را کنار گذارد و در پی ایجاد زمینه‌ها و امکاناتی باشد که موجبات توسعه جامع و فراگیر روستایی را فراهم سازد (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۴۸). امروزه توجه به نقش زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی نه تنها از موضوعات اهداف اساسی توسعه اجماعی و اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق دیگر اهداف توسعه نیز به محسوب می‌شود. از این رو یکی از شاخص‌های درجه توسعه‌یافتگی یک کشور میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند (فلیحی، ۱۳۸۰: ۵۳).

بالقوه آنان را به فعل رسانده، بر قدرتشان برای بهره‌گیری از زندگی بیفزاید. امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت واقعی تمامی اقشار یک جامعه در تمامی سطوح و جوانب مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای دستیابی به یک توسعه پایا مورد پذیرش عام واقع شده است به گونه‌ای که حصول به توسعه واقعی را بدون مشارکت مردمی امکان‌ناپذیر می‌دانند (قلفی، ۱۳۷۸: ۴۴). در این میان زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور و تأمین‌کننده نیروی انسانی عظیمی، که هم می‌توانند عامل توسعه و هم بهره‌بردار از توسعه تلقی شوند شایسته توجه جدی هستند. به هر حال با توجه به دیدگاه‌های موجود در زمینه زنان و توسعه، بهبود جایگاه و ارتقای شاخص‌های زنان در فرایند توسعه روستایی ضروری است. چنانکه در چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله، ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور از جمله اهداف و سیاست‌های کلی محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۷-۲۵۶).

با توجه به ضرورت‌های ذکر شده سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بین ویژگی‌های مکانی-فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی رابطه‌ای وجود دارد؟ بنابراین در این مقاله تلاش شده است تا نقش ویژگی‌های مکانی-فضایی و ارتباط آن با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در جامعه‌ی روستایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در کنار آن توزیع فضایی ارتباط بین این دو متغیر را در سطح محدوده‌ی مورد مطالعه ارزیابی نموده تا بتوان از نتایج آن به عنوان پایه‌ای برای بررسی‌های بیشتر، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های روستایی و به ویژه ناحیه‌ی مورد مطالعه یعنی دهستان درزآب شهرستان مشهد استفاده نمود.

پیشینه‌ی تحقیق در زمینه‌ی بررسی مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه‌ی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در سطح روستاهای کشور ما تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است ولی کمتر به مقوله‌ی عوامل مکانی-فضایی و ارتباط آن با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه‌ی روستایی

اشاره شده است. در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

خلیلی (۱۳۸۶) در آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، با شناسایی دو نوع مانع ساختاری و غیر ساختاری مؤثر بر مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان نشان می‌دهد که ساختار سیاسی با بهینه‌سازی فرایندهای به‌کارگیری زنان در عرصه‌های مدیریتی می‌تواند عامل شتاب‌دهنده جهت مشارکت بانوان محسوب گردد. میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی معتقدند که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی بعد فرهنگی دارد. آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تربیت فرزندان، بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان، عدم رضایت همسر جهت حضور در برنامه‌های آموزشی - ترویجی، و تمسخر و ایراد اهالی از مهم‌ترین عوامل مورد شناسایی در این مطالعه بود. قلفی (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان تواناسازی زنان در فرایند توسعه روستایی، بر دو مقوله آموزش و مشارکت به‌عنوان مهم‌ترین و ضروری‌ترین شاخص‌های تواناسازی زنان روستایی تأکید دارد و اشاره‌ای به مهم‌ترین موانع موجود در جریان مشارکت مانند موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و بیولوژیکی دارد. آجیلی و شیری (۱۳۸۰) در آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، به این موضوع اشاره کرده‌اند که با وجود نقش و تأثیر مهمی که زنان روستایی در زندگی اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه دارند اما دسترسی کمتری به امکانات، منابع و فرصت‌های آموزشی و مهارتی دارند. کتابی و دیگران (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، حاکی از آن است که عواملی چون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند.

غلامعلی‌زاده و رضایی‌مقدم (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی چالش‌های عمده‌ی مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، عواملی همچون فرهنگ سنتی مردسالاری، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل و خارج از منزل، مشکلات اعتباری و تأمین بودجه، کم بودن حضور زنان در بنگاه‌های اقتصادی، عدم دسترسی مناسب به متخصصان با تجربه و اجباراً استفاده از نیروهای کم تجربه، به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در تعاونی‌ها معرفی می‌شوند. صفری شالی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد یعنی بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی میزان مشارکت آن‌ها را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد. امیری اردکانی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی، بر موانع عدم مشارکت زنان در برنامه‌های ترویجی که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد تأکید می‌کند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به اشتغال زنان، فعالیت زیاد خانه‌داری، بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان، تعداد زیاد فرزندان، تمسخر و ایرادهای اهالی روستا و سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی اشاره نمود. میرترابی و دیگران (۱۳۸۹) در عامل‌های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج نشان دادند که رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین متغیر وابسته‌ی مشارکت در فعالیت‌های پس از برداشت و میزان استفاده از داده‌ها و منابع ارتباطی شامل منابع ارتباطی سازمانی و رسانه‌های جمعی وجود دارد. در تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام منابع و داده‌های سازمانی و منابع ارتباط جمعی، در مجموع ۳۲/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته‌ی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت را تبیین کردند.

اسناد و مدارک و سرشماری‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای بدست آمده است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل تمام روستاهای دهستان بوده که بر اساس فرمول شارپ-کوکران تعداد ۱۴ روستا با جمعیت ۱۳۱۵ خانوار با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده به عنوان معرف کل دهستان، انتخاب شدند. جهت برآورد حجم نمونه در سطح خانوارهای روستایی برای ارزیابی ارتباط بین عوامل مکانی و فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در روستاها، از روش نمونه‌گیری کوکران با ۹۵ درصد احتمال صحت گفتار و احتمال خطای ۵/۷٪ تعداد ۲۵۰ نفر (برای زنان ۱۸ ساله و بالاتر) به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS و ... به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد.

در تحقیق حاضر موارد مورد نظر در فرمول کوکران بدین ترتیب است: $t=1.96$, $p=0.5$, $q=0.5$ و $d=0.057$ (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

$$n = \frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.06^2} = 250$$

$$1 + \frac{1}{1734} \left(\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.057^2} - 1 \right)$$

فرضیه‌ی زیر برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق طراحی شده است: «به نظر می‌رسد بین عوامل مکانی-فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی رابطه وجود دارد.»

معرفی شاخص‌ها و متغیرها - شناخت بهتر و دقیق‌تر از وضعیت مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت مستلزم دسترسی به اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم از یکسری شاخص‌ها استفاده می‌شود که این شاخص‌ها می‌توانند سطحی از رشد و توسعه‌ی مکان‌های جغرافیایی را بر اساس معیارهای انتخاب شده نشان دهند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

در میان مطالعات خارجی می‌توان به مقاله نقش زنان در توسعه کشاورزی کشور اندونزی اشاره نمود که نویسنده بر عدم دسترسی زنان به سرمایه‌های تولیدی تاکید کرده و آن را به عنوان مانع مشارکت زنان روستایی این کشور در فرایند توسعه قلمداد می‌کند (Azhari, 2008). از جمله تحقیقات دیگر می‌توان به تحقیقی در مورد زنان روستایی کشور نیجریه اشاره کرده محقق ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان را در میزان مشارکت آنان در امور روستا بسیار مؤثر می‌داند (Damisa and Yohanna, 2007). در تحقیق دیگری که به بررسی نقش مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی دارند (Hoque and Itohara, 2008).

مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه مشارکت زنان و عوامل مؤثر بر آن نشان می‌دهد محورهای عمده مطالعات در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان شامل: عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازمانی، حقوقی، سیاسی و آموزشی است. البته تحقیقات انجام شده همواره برخی متغیرهای مربوط به موانع مشارکت زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. البته لازم به ذکر است تمامی آن‌ها بر لزوم مشارکت زنان جهت دستیابی به توسعه پایدار و توانمندسازی زنان به شیوه‌های مختلف تاکید دارند. پژوهش حاضر با نگاهی به تحقیقات پیشین سعی دارد با رویکردی جدید ارتباط عوامل مکانی-فضایی با انواع عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

روش تحقیق - روش تحقیق در این مطالعه توصیفی و همبستگی است، بخشی از داده‌های تحقیق از طریق مطالعات میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه و بخشی دیگر از داده‌های مورد نیاز مانند چارچوب نظری - مفهومی پژوهش،

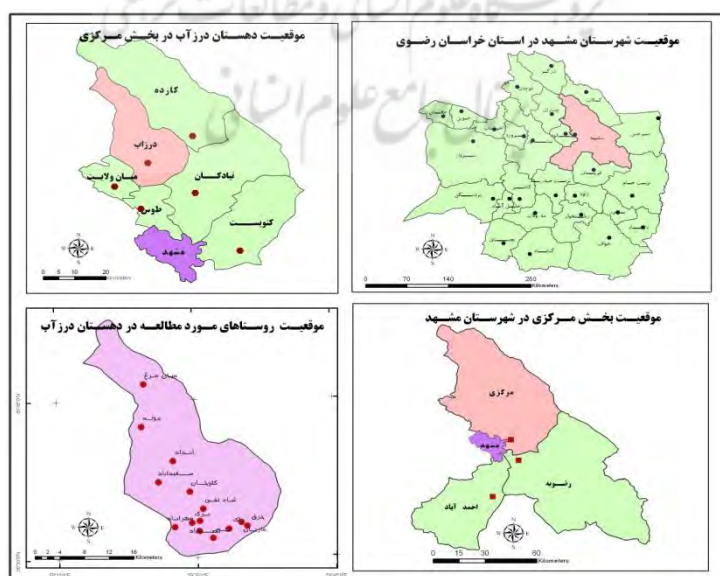
جدول (۱): بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

متغیر	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفای کربناخ
عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی	-	۵	۰/۹۳
	فردی	۲۰	۰/۷۱
	اقتصادی	۱۱	۰/۶۹
	فرهنگی	۸	۰/۷۳
	سرمایه اجتماعی	۱۶	۰/۷۵
	اجتماعی (دسترسی‌ها)	۷	۰/۷۰
	سازمانی	۱۳	۰/۷۹
	قانونی	۶	۰/۹۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

محدوده یا قلمرو پژوهش - منطقه مورد مطالعه یعنی دهستان درزآب از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی دارای ۴۱ آبادی دارای سکنه با ۳۱۸۹ خانوار و ۱۲۸۹۰ نفر جمعیت می‌باشد. این دهستان از سمت شمال به دهستان کارده از شهرستان مشهد، از سمت شرق به دهستان تبادکان از شهرستان مشهد، از سمت جنوب به دهستان‌های طوس و میان‌ولایت از شهرستان مشهد و از سمت غرب به شهرستان چناران محدود می‌شود، مساحت آن ۵۵۷/۸ کیلومتر مربع و معادل ۶/۱٪ از کل وسعت شهرستان مشهد را در بر می‌گیرد. (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۸۹).

برای محاسبه‌ی پایایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه بر روی نمونه‌ای به حجم ۲۵ نفر اجرا گردید و سپس ضریب پایایی به روش آلفای کربناخ محاسبه شد که مقدار اولیه آن ($\alpha=0/63$) بدست آمد. پس از حذف ۵ سوال، آلفای نهایی به حد قابل قبول رسید که این مقدار پایایی، قابل اعتماد است. این ضریب از عمومی‌ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به مقدار آلفای بدست آمده در بالا برای پرسشنامه‌های مختلف، پایایی پرسشنامه‌ها اثبات می‌شود.



شکل (۱): موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه در ایران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

مبانی نظری تحقیق

مفهوم مکان و فضا - از دید بسیاری از دانشمندان، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساختمندشدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶: ۲۵). بنابراین فضا تولید اجتماعی است و بانی تولید آن تولید کنندگان، مصرف‌کنندگان و کنشگران است دولت، اجتماعات، موسسه‌های تولیدی و گروه‌هایی که با نظامی پیچیده از کنش‌های متقابل در مقیاس‌های مختلف درگیرند از آن جمله محسوب می‌شوند (شیلینگ، ۱۳۸۵: ۱۱۰). جایگاه و موقعیت افراد به همراه ویژگی‌های آنها وضعیت مکانی آنها را در فضا معلوم می‌کند. در واقع مفهوم مکان نه تنها در محیط طبیعی بلکه مهمتر از آن، در محیطی انسانی جستجو می‌شود که بخش جدایی‌ناپذیر بلکه آمیخته محیط‌های انسانی است (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱) که بوسیله‌ی مجموعه‌ای از دسترسی‌ها تعیین می‌شود. زیرا فضای اجتماعی، تنها تجمعی از افراد نیست، فضای اجتماعی، توزیعی از منابع، و اعمال متجسد یا آرایشی از مقام‌های اجتماعی متفاوت است. خود مقام‌های اجتماعی تنها در تضاد و تفاوت با یکدیگر مقام‌ها وجود دارند. به سخن دیگر فضای اجتماعی دارای ساختی سلسله‌مراتبی بر پایه تمایزها و تفاوت‌هاست؛ جایی که در آن افراد یا گروه‌ها بر پایه نوع روابطشان با یکدیگر و بر پایه نوع تمایز و تفاوت و جایگاهی که در برابر هم دارند، موجودیت می‌یابند (عطار، ۱۳۸۷: ۱۵۹) و مکان خود را در جامعه تعیین می‌کنند. بنابراین منظور از مکان در فضای اجتماعی محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل‌گیری و رشد یافته است و علاوه بر مفهوم جغرافیایی خود، به نحوه و قرارگیری افراد در جامعه و در موقعیت‌های خاص (بعد اجتماعی فضا) اشاره دارد. مدنی پور مکان را، بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی می‌داند (محمودی‌نژاد و

همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸۶) که بیان‌کننده موقعیت دسترسی افراد به منابع و امکانات می‌باشد.

مفهوم مشارکت و زنان روستایی - هر چند مشارکت دارای قدمت بسیاری است ولی واژه‌های مشارکتی برای نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ وارد فرهنگ توسعه گردید. و چند دهه پس از آن یعنی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد ورود این مفهوم در توسعه روستایی هستیم. با شکست راهبردهای مبتنی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان سوم تئوریسین‌های توسعه، در صدد برآمدند تا رهیافت‌های جدیدی ارائه دهند. بنابراین موضوع مشارکت روستاییان و مکانیزم‌های جلب و به کارگیری آن‌ها مورد توجه قرار گرفت و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان توسعه‌ی مشارکتی وارد ادبیات توسعه شد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). واژه مشارکت امروزه یکی از بخش‌های اساسی در فرهنگ توسعه به شمار می‌رود. مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم در همه مراحل توسعه است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۵). دو رویکرد عمده برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی وجود دارد: اصل اقتصادی کنش فردی عقلانی و تحلیل ساختارهای اجتماعی، که رویکرد دوم در جنبه‌هایی چون هنجارها، قوانین و تعهدات اجتماعی متجلی می‌شود (کریشنا، ۱۳۸۵: پیشگفتار). از مشارکت تعاریف مختلف و بسیار متفاوتی انجام شده است. کلمه مشارکت در کتاب فرهنگ معین، به معنی شرکت کردن و انبازی کردن آمده است (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶). از منظر نظام‌مندی و کارکردی، مشارکت را سازکاری برای بقاء، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند (گل‌شیری اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) باستن^۱ چهار برداشت متفاوت از مفهوم مشارکت دارد:

مشارکت در معنای ساده بکارگیری نیروی کار انسانی است. مشارکت اغلب بعنوان تلاش برای ترفیع خوداتکایی تفسیر می‌شود.

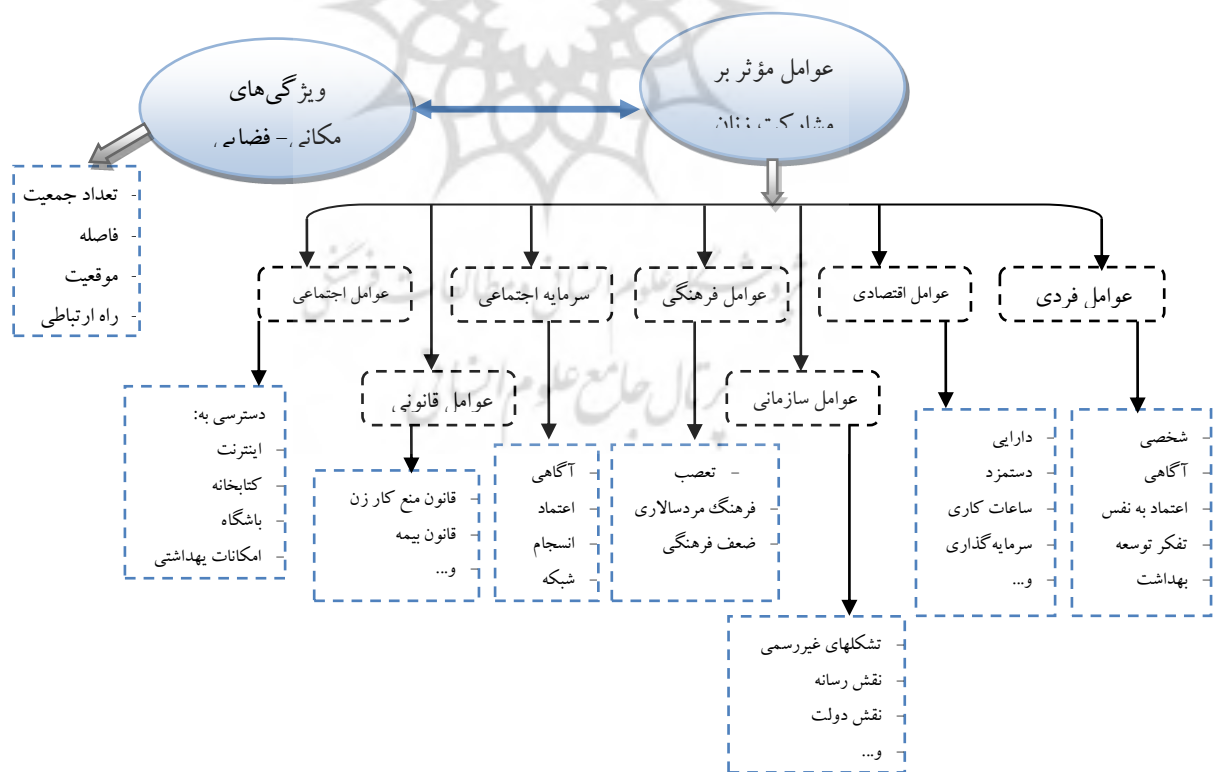
رهیافت مشارکتی اغلب تکنیک و فن برای خلق روستای ایده‌آل است.

مشارکت بعنوان روش مدیریت پروژه بازتاب می‌یابد.

(Muraleedharan,2008:34)

مشارکت را می‌توان هم به عنوان نوعی کنش که فرد در جستجوی کسب سود از آن است، تعبیر کرد و هم این که باید توجه داشت مشارکت در ساختار روابط بین کنشگران نهفته است. بنابراین در صورتی که موانع موجود بر سر راه مشارکت برداشته شود، کنش‌های اجتماعی تسهیل می‌شوند و زنان می‌توانند نقش مؤثر خود را در روند توسعه روستایی ایفا کنند. به نظر می‌رسد که بسیاری از شرایط برای مشارکت زنان در توسعه کشورهای صنعتی تأمین شده است اما مشارکت زنان در کشورهای در حال توسعه هنوز متغیر و در کل ناکافی است (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۵۷). در مورد جایگاه زنان روستایی در توسعه، واقعیت انکارناپذیر کشورمان این است که زنان روستایی به طور متوسط بیش از ۴۰٪ نیروی کار در

فعالیت‌های کشاورزی را تأمین می‌کنند ولی کار و نقش آن‌ها در دیدگاه‌ها و مباحث جامعه‌شناسی روستایی پنهان مانده است. یا در حالی که بخش قابل توجهی از نیروی کار بدون دستمزد را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، در ارائه‌ی اطلاعات و توضیحات درباره‌ی کارگران بی‌مزد در روستا اشاره‌ای به این نیروها نمی‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۱). زنان روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که غالباً در محاسبات تولیدی و درآمد ملی نادیده گرفته می‌شود، انعکاس نادیده‌انگاری در افزایش نابرابری و کاهش بهره‌مندی آن‌ها از منابع و فرصت‌هاست (صالحین، ۱۳۸۲: ۷۱). بنابراین تلاش در جهت توانمندتر ساختن زنان و ارتقای حضور آنان در اجتماع و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان به ویژه در زمینه اشتغال از جمله جهت‌گیری‌های لازمی است که باید مورد توجه دولت مردان و برنامه‌ریزان توسعه در کشور ما قرار گیرد (الوانی، ۱۳۸۰: ۶۳).



شکل (۲): مدل مفهومی ارتباطی متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

نتایج و بحث

عوامل مکانی - فضایی در منطقه ی مورد مطالعه - از میان ۱۴ روستای مورد مطالعه، ۷ روستا (۵۰٪) دارای کمتر از ۴۹ خانوار، ۳ روستا (۲۱٪) بین ۵۰ تا ۹۹ خانوار، ۲ روستا (۱۴٪) بین ۱۰۰ تا ۱۹۹ خانوار و ۲ روستا (۱۴٪) بیش از ۲۰۰ خانوار هستند. روستاهای منطقه از نوع دشتی و پایکوهی هستند. به طوری که ۱۳ روستا (۹۲٪) از ۱۴ روستای مورد مطالعه دشتی و یک روستا پایکوهی می باشد. از نظر راه دسترسی به نزدیک ترین شهر ۱۱ روستا (۷۸٪) دارای راه ارتباطی آسفالت و ۳ روستا دارای راه ارتباطی شوسه می باشند. به لحاظ فاصله روستاها تا مرکز دهستان؛ ۵۰٪ از روستاهای مورد مطالعه در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرکز دهستان (روستای گوارشک) قرار گرفته و سایر روستاها بیش از ۱۰

کیلومتر با مرکز دهستان فاصله دارند. از نظر فاصله روستا تا شهر مشهد (مرکز شهرستان)، ۱۰ روستا (۷۱٪) در فاصله ی بین ۲۰-۳۰ کیلومتری از شهر مشهد قرار دارند و سایر روستاها، بیش از ۳۰ کیلومتر با شهر مشهد فاصله دارند. از میان روستاهای مورد مطالعه، روستای میان مرغ بیش ترین فاصله را از شهر مشهد دارد.

یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان دسترسی مردم در روستاهای مورد مطالعه به تلفن اختصاصی در منازل (۷/۷٪) بسیار پایین است و این امر زمینه ساز مشکلات بعدی از قبیل عدم دسترسی به اینترنت، کاهش سطح آگاهی، سرمایه اجتماعی و ... می باشد. از طرفی در سه روستا از ۱۴ روستاهای نمونه نهاد شورا و دهیاری منحل شده است. برای مشاهده سایر امکانات در روستاهای نمونه به جدول (۴) مراجعه کنید.

جدول (۲): عوامل مکانی - فضایی روستاهای منطقه ی مورد مطالعه

نام روستا	جمعیت روستا	تعداد خانوار	نوع روستا	راه دسترسی به نزدیک ترین شهر	فاصله روستا تا مرکز دهستان	فاصله روستا تا مشهد
دوله	۵۸۲	۱۵۳	دشتی	آسفالت	۱۸/۵	۴۵/۱
انداد	۶۷۰	۱۵۹	دشتی	آسفالت	۱۰/۳	۳۶/۸
سعدآباد	۴۶۰	۹۷	دشتی	آسفالت	۸/۲	۳۴/۴
کلوخی	۱۴۰	۴۰	دشتی	آسفالت	۴/۷	۳۰/۸
برگ	۱۹۴	۴۴	دشتی	شوسه	۳/۲	۲۵/۱
نصرآباد	۱۲۹	۳۷	دشتی	آسفالت	۲/۲	۲۴/۲
خرق	۲۶۰	۵۷	دشتی	آسفالت	۲۳	۲۷/۷
زاک	۱۰۹۵	۲۷۶	دشتی	آسفالت	۱۹/۱۴	۲۴/۲
شاه تقی	۲۴۱	۶۰	دشتی	آسفالت	۱	۲۷/۵
گندم خواب	۸۰	۲۳	دشتی	آسفالت	۴	۲۲/۳
نجم	۸۶	۱۹	دشتی	شوسه	۱۲/۲	۲۲/۵
ماریان	۱۲۱۸	۳۰۳	دشتی	آسفالت	۲۱/۷	۲۶/۵
مهرآباد	۷۲	۲۲	دشتی	آسفالت	۷/۶	۲۴/۲
میان مرغ	۱۵۹	۳۶	پایکوهی	شوسه	۲۷	۵۳/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و یافته های پژوهش، ۱۳۸۹

جدول (۳): امکانات و خدمات زیربنایی در روستاهای منطقه ی مورد مطالعه

امکانات داده ها	دبستان مختلط	مدرسه راهنمایی دخترانه	دبیرستان دخترانه	تلفن اختصاصی در منازل	دهیار و شورا	شرکت تعاونی مصرف	مرکز خدمات جهاد کشاورزی
فراوانی	۱۴	۴	۲	۱	۱۱	۱	۲
درصد	۱۰۰	۳۰/۸	۱۵/۴	۷/۷	۸۴/۶	۷/۷	۱۵/۴

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۸۹

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در منطقه‌ی

مورد مطالعه محورهای عمده مطالعات در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان شامل: عوامل فردی، اقتصادی، فرهنگی، سرمایه اجتماعی، اجتماعی (دسترسی‌ها)، سازمانی، و قانونی است.

الف/ عوامل فردی: بر اساس دیدگاه زنان روستایی، میزان تأثیرات منفی ویژگی‌های فردی بر مشارکت آنان بیشتر از تأثیرات مثبت آن بوده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده تأثیر بسیار زیاد میزان تحصیلات (سواد)، ضرورت شرکت

زنان در فعالیت‌های مختلف و تأثیر زیاد محدودیت‌های ناشی از تأهل و تعداد فرزندان و تأثیر متوسط مدت ازدواج، میزان استفاده از تلویزیون و برنامه‌های خبری آن، میزان خلاقیت خود، میزان مراجعه به پزشک و تأثیر کم محدودیت‌های ناشی از شرایط سنی، میزان مطالعه کتاب، میزان توانایی زنان برای اداره روستا و تأثیر بسیار کم استفاده از اینترنت، کاندیدا شدن جهت عضویت در شورا، بر میزان مشارکت زنان است.

جدول (۴): عوامل فردی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی (درصد)

شاخص	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
شخصی	داشتن سواد و سطح تحصیلات	۶۵/۹	۲۲/۴	۷/۷	۱/۲	۲/۸	۰	۴/۴۷
	شرایط سنی و محدودیت‌های احتمالی آن	۴	۹/۷	۱۰/۱	۱۳/۴	۵/۳	۵۷/۵	۱/۲۱
	تأهل و مشغله‌های مربوط به آن	۲۵/۲	۳۰/۱	۸/۵	۱۶/۳	۱/۲	۱۸/۷	۳/۰۵۷
	مدت ازدواج زن روستایی	۱۱/۴	۱۴/۷	۸/۶	۳۸/۴	۲/۹	۲۴/۱	۲/۲۱
	تعداد فرزندان زن روستایی	۲۹/۸	۲۹/۳	۷/۴	۹/۱	۲/۵	۲۱/۹	۳/۰۹
آگاهی	استفاده از تلویزیون در شبانه روز	۱۰	۳۰/۱	۲۷/۷	۲۳/۳	۸	۰/۸	۳/۰۸
	استفاده از اخبار رادیو و تلویزیون	۲	۲۴/۸	۳۸	۲۰/۴	۱۰/۴	۴/۴	۲/۷۴
	استفاده از اخبار شبکه‌های خارجی	۰	۱/۶	۲/۸	۱۰/۸	۹/۲	۷۵/۵	۰/۴۵۸
	میزان مطالعه کتاب یا روزنامه	۰/۸	۰/۸	۹/۳	۱۸/۷	۱۶/۷	۵۳/۷	۰/۸۹۴
	میزان استفاده از اینترنت	۰	۰/۴	۲/۹	۱/۶	۲/۴	۹۲/۷	۰/۱۵۹
اعتماد به نفس	داوطلب شدن برای عضویت در شورا	۰/۸	۰/۸	۲/۴	۱/۶	۲/۸	۹۱/۵	۰/۲۰۶
	میزان توانایی برای اداره روستا	۰/۸	۹/۷	۱۴/۱	۲۳/۸	۱۶/۵	۳۵/۱	۱/۴۹
	میزان دست‌یابی زنان به حقوق خود در جامعه	۶/۳	۳۷/۶	۴۶/۸	۴/۶	۲/۱	۲/۵	۳/۲۴
تفکر توسعه	شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی	۴۸/۴	۴۱	۷/۴	۲/۵	۰/۸	۰	۴/۳۴
	تأثیر سرنوشت در خوشبختی و بدبختی انسان	۵/۲	۴۶/۴	۳۸/۳	۱۰/۱	۰	۰	۳/۳۷
	میزان خلاقیت و ایده‌پردازی زنان روستایی	۲/۵	۱۰/۴	۲۵/۸	۳۲/۱	۲۳/۸	۵/۴	۲/۱۹
	امکان پیشرفت برای زنان در جامعه	۱۵/۵	۵۶/۷	۱۶/۷	۷/۸	۲/۴	۰/۸	۳/۷۳
بهداشت	میزان دسترسی به آب آشامیدنی سالم	۳۹/۵	۴۴	۷/۳	۴/۴	۱/۶	۳/۲	۴/۰۶
	میزان مراجعه به پزشک هنگام بیماری	۵	۲۳/۶	۴۰/۹	۲۲/۷	۷/۹	۰	۲/۹۵
	حجم تنگناهای اقتصادی و تأمین معاش	۴/۹	۳۶/۸	۳۰/۹	۱۲/۶	۴/۱	۲۰/۷	۲/۵۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

سطح پایین موانع ذهنی خواهیم بود و در نهایت سطح دسترسی زنان روستایی به بهداشت متوسط تا زیاد ارزیابی شده است.

ب/ عوامل اقتصادی- برای سنجش تأثیر عوامل اقتصادی محدود کننده مشارکت زنان از شاخص‌هایی چون میزان دارایی خانوار، سطح دستمزد کارگران زن، ساعات کاری زنان روستایی، تنوع کاری زنان روستایی، درآمد و سرمایه مستقل زن، تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در منطقه مورد مطالعه، میزان استقلال زن برای خرج کردن پول، دسترسی به مواد اولیه و وسایل حمل و نقل استفاده شده است.

پاسخ زنان روستایی به گویه‌های مربوط به سطح آگاهی نشان دهنده سطح پایین آگاهی آنان است. کم‌ترین میانگین (۰/۱۵۹) در میان گویه‌ها مربوط به میزان استفاده از اینترنت است که حدود (۰/۹۳٪) آنان اصلاً از اینترنت استفاده نمی‌کنند و در مقابل بالاترین وسیله‌ی اطلاع‌رسانی در این بخش مربوط به تلویزیون (میانگین وزنی ۳/۰۸) گزارش شده است. پاسخ زنان روستایی به گویه‌ها مربوط به میزان اعتماد به نفس، نشان دهنده سطح پایین این شاخص در بین آنان می‌باشد. علاوه بر این بر اساس پاسخ‌های زنان روستایی به گویه‌های مربوط به تفکر توسعه (موانع ذهنی)، در جامعه‌ی مورد مطالعه شاهد

جدول (۵): عوامل اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی (درصد)

ردیف	گویه ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	تأثیر دارایی زیاد بر افزایش مشارکت	۴/۲	۱۱/۳	۱۵/۴	۱۴/۲	۰/۸	۵۴/۲	۱/۴۱
۲	تأثیر دارایی کم بر کاهش مشارکت	۵/۸	۱۰/۸	۳/۸	۸/۸	۶/۳	۶۴/۶	۱/۰۷
۳	تفاوت دستمزد زنان نسبت به مردان و کاهش انگیزه‌ی کار برای زنان روستا	۱۹/۲	۳۲/۴	۱۱/۶	۱۷/۲	۷/۶	۱۲	۳/۰۲۴
۴	تأثیر ساعات کاری شما بر مشارکت زنان	۱۱/۲	۲۳/۳	۱۶/۹	۱۹/۷	۳/۲	۲۵/۷	۲/۴۲
۵	تنوع کاری و محدودیت برای مشارکت	۱۰/۸	۳۳/۶	۱۰	۱۹/۲	۲/۸	۲۳/۶	۲/۶
۶	تأثیر نبود بازار مناسب بر مشارکت زنان روستا در امور اقتصادی	۸	۱۹/۳	۲/۸	۳۶/۵	۱۲	۲۱/۳	۲/۱
۷	تأثیر کمبود سرمایه کافی بر مشارکت	۳۱/۶	۳۷/۲	۶/۹	۱۲/۶	۲/۸	۸/۹	۳/۵۵
۸	تمایل به سرمایه گذاری در منطقه	۰	۶/۵	۴/۵	۱۸/۸	۳۰/۶	۳۹/۶	۱/۰۷
۹	عدم استقلال برای خرج کردن پول	۸/۳	۱۱/۶	۶/۲	۱۲/۴	۷/۹	۵۳/۷	۱/۳۹
۱۰	تأثیر گرانی مواد اولیه بر اشتغال زنان	۱۸	۴۱/۶	۱۴/۴	۱۸/۸	۰/۸	۶/۴	۳/۳۸
۱۱	تأثیر کمبود و گرانی وسایل حمل و نقل بر اشتغال زنان	۴۳/۱	۴۰/۷	۶/۹	۴	۲/۸	۲/۴	۴/۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

تحقیق، میانگین حاصل از گویه‌ها نشان دهنده میزان زیاد اعتقاد مردان به مشارکت زنان، سطح بالای باورها در ارتباط با میزان توانایی زنان جهت مشارکت، سطح متوسط پذیرش زنان از سوی مردان به عنوان همکار در گروه‌های کاری، سطح متوسط موافقت مردان با استقلال اقتصادی زنان، وجود سطح متوسطی از فرهنگ مردسالاری، مخالفت متوسط مردان با مشارکت زنان به علت تعصب زیاد و میزان بسیار کم مخالفت مردان (به علت ضعف فرهنگی مردم روستا و یا از دست دادن نیروی کار خانوار) با مشارکت زنان است.

د/سرمایه‌ی اجتماعی - برای سنجش تأثیر عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان روستایی، از شاخص‌هایی چون میزان اعتماد اجتماعی (در قالب اعتماد رسمی، غیر رسمی و تعمیم یافته)، میزان انسجام اجتماعی (در قالب تضاد و انسجام زیاد)، میزان آگاهی (در قالب آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی، وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مرتبط با روستا، مزایای مشارکت در جامعه و وجود فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در روستا) و شبکه (در قالب اندازه شبکه شامل شبکه‌های درون گروهی و برون گروهی و فراوانی شبکه‌ها) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش بر اساس جدول (۵) نشان دهنده تأثیر کم میزان دارایی خانوار بر میزان مشارکت زنان است. آنان به تأثیر متوسط تا زیاد پایین بودن دستمزد کارگران زن بر انگیزه و میزان مشارکت زنان و تأثیر متوسط ساعات کاری و تنوع کاری بر میزان مشارکت زنان معتقدند. میانگین سایر گویه‌ها بیانگر تأثیر متوسط نداشتن بازار، تأثیر زیاد نداشتن درآمد مستقل و سرمایه کافی، تأثیر زیاد کمبود و گرانی مواد اولیه و تأثیر بسیار زیاد کمبود و گرانی وسایل حمل و نقل بر میزان مشارکت زنان در امور مختلف از جمله امور اقتصادی است. در این میان فقط تعداد بسیار کمی از زنان با مشکل نداشتن اجازه برای خرج کردن پول مواجه‌اند.

ج/عوامل فرهنگی - برای سنجش تأثیر عوامل فرهنگی محدود کننده مشارکت زنان از شاخص‌هایی چون میزان فرهنگ مرد سالاری، میزان مخالفت پدر، برادر و همسر با مشارکت زنان (به دلایلی از جمله تعصب مذهبی، ضعف فرهنگی مردم روستا و یا از دست ندادن نیروی کار خانوار)، میزان اعتقاد به مشارکت زنان در امور مختلف، سطح باورهای جامعه در ارتباط با میزان توانایی‌های زنان جهت انجام مشارکت و میزان پذیرش زنان از سوی مردان به عنوان همکار در گروه‌های کاری استفاده شده است. بر این اساس یافته‌های

جدول (۶): عوامل فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه همسر یا پدر برای زنان روستایی (درصد)

ردیف	گویه ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	اعتقاد به مشارکت زنان در جامعه	۱۷/۶	۲۷/۶	۲۸/۹	۱۷/۶	۳/۳	۵	۳/۲۳
۲	ارزیابی توانایی زنان برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی	۷/۱	۲۳/۹	۴۶/۶	۱۵/۵	۵	۱/۷	۳/۰۷
۳	استقلال اقتصادی زن و انجام فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در خارج از منزل	۱۲/۸	۱۹/۱	۱۳/۲	۱۰/۶	۷/۲	۳۷	۲/۰۸
۴	عدم مشارکت زنان خانوار به علت از دست ندادن نیروی کار خانوار	۰/۸	۱۶	۸	۵	۴/۶	۶۵/۵	۱/۰۷
۵	تمایل به عدم مشارکت زنان خانواده به علت تعصب زیاد	۱۰/۱	۳۳/۶	۱۰/۵	۱۳	۱/۷	۳۱/۱	۲/۴۴
۶	تمایل به عدم مشارکت زنان خانواده به علت ضعف فرهنگی مردم روستا	۷/۳	۶/۴	۶/۸	۶/۸	۹	۶۳/۷	۱/۰۵
۷	پذیرش زنان را به عنوان همکار در گروههای کاری از سوی مردان	۶	۳۱/۵	۳۸/۷	۱۴/۹	۳/۴	۵/۵	۳/۰۵
۸	وجود فرهنگ مردسالاری در روستا	۲/۱	۲۵/۴	۲۸/۸	۳۳/۵	۴/۷	۵/۵	۲/۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

متوسط شبکه‌های درون گروهی و اندازه‌ی کوچک تا بسیار کوچک شبکه‌های بین گروهی در میان آنان است. عوامل اجتماعی (دسترسی) - برای سنجش تأثیر عوامل اجتماعی (دسترسی) محدود کننده مشارکت زنان، از شاخص‌هایی چون میزان دسترسی آنان به مدارس گوناگون در سطوح تحصیلی مختلف، میزان دسترسی به کتابخانه، میزان دسترسی به خانه بهداشت و امکانات درمانی، میزان دسترسی به تشکلهای و انجمن‌های زنان و دختران و میزان دسترسی به خدمات اینترنت استفاده شده است. میانگین پاسخ آنان به گویه‌های جدول ۸ نشان دهنده میزان دسترسی متوسط به خدمات آموزشی است که تا حد بسیار زیادی مشارکت آنان را محدود کرده است. دسترسی آنان به کتابخانه کم، امکانات بهداشتی مانند خانه بهداشت زیاد و به خدمات اینترنت کم است. آنان اصلاً به تشکلهای و انجمن‌های زنان دسترسی ندارند. تمامی موارد ذکر شده نشان دهنده این است که محدودیت‌های ناشی از دسترسی آنان به خدمات گوناگون، مشارکت آنان را تا حد زیادی محدود کرده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح آگاهی زنان روستایی در مورد حقوق فردی و وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مرتبط با روستا پایین و سطح آگاهی آنان از حقوق اجتماعی خود و مزایای مشارکت در جامعه متوسط و سطح آگاهی آنان از وجود فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در سطح روستاها زیاد ارزیابی شده است. میانگین پاسخ زنان روستایی به گویه‌های مربوط به میزان اعتماد اجتماعی نشان دهنده‌ی میزان زیاد اعتماد رسمی (اعتماد به رسانه‌های گروهی و سازمان‌های دولتی)، میزان زیاد اعتماد غیر رسمی (اعتماد به اقوام، دوستان و آشنایان) و میزان بسیار کم اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به غریبه‌ها) در میان پاسخگویان است. بنا بر نظر زنان روستایی میزان تضاد در درون روستا در سطح کم تا بسیار کم ارزیابی و در مقابل میزان انسجام اجتماعی (احترام به ریش سفیدان و یکدلی و هم‌رنگی) در سطح بسیار زیادی مشاهده می‌شود. بر اساس یافته‌های جدول ۷ ارزیابی زنان روستایی از فراوانی و اندازه شبکه‌های اجتماعی در روستاها، نشان دهنده‌ی فراوانی متوسط شبکه‌های اجتماعی، اندازه‌ی

جدول (۷): ارزیابی میزان سرمایه‌ی اجتماعی زنان روستایی از دیدگاه آنان

شاخص	ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
آگاهی	۱	حقوق فردی (مثل حق ارث، نفقه، حق تصرف در دارایی خود و ...)	۰/۸	۳/۶	۲۳/۶	۲۸	۲۲/۸	۲۱/۲	۱/۶۸
	۲	حقوق اجتماعی (مثل حقوق اجتماعی مساوی با مردان، حق زندگی در یک محیط سالم)	۰/۴	۶/۴	۳۳/۶	۲۶/۴	۱۶	۱۷/۲	۱/۹۷
	۳	وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مربوط به روستا	۰	۶/۵	۱۹/۴	۲۷	۱۹/۸	۲۷/۴	۱/۵۸
	۴	مزایای مشارکت در جامعه	۰/۴	۱۲/۷	۳۳/۱	۲۲/۹	۱۶/۳	۱۴/۷	۲/۱۴
	۵	وجود فعالیت‌های مذهبی و خیریه و اجتماعی در روستا	۹/۳	۴۴/۹	۳۴/۴	۲	۱/۶	۷/۷	۳/۳۵
اعتماد	۶	اختیار شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در کشور	۱۱/۹	۵۷/۴	۲۵/۸	۳/۳	۱/۶	۰	۳/۷۴
	۷	سازمان‌های دولتی و غیر دولتی (مثل شورا، دهیاری و ...)	۳/۷	۱۹/۳	۳۸/۵	۳۱/۶	۶/۱	۰/۸	۲/۸
	۸	افراد محل و اقوام و همسایگان	۳۳/۲	۵۴/۹	۹/۴	۱/۶	۰	۰/۸	۴/۱۷
	۹	ضمانت خویشان و دوستان خود را از نظر مالی	۵/۷	۲۴/۶	۲۶/۲	۲۹/۵	۷	۷	۲/۷۲
	۱۰	غریبه‌ها و مردم	۰	۰/۸	۱۱/۲	۶/۶	۱۲/۹	۶۸/۵	۰/۶۳
انسجام	۱۱	اختلاف روستائیان در روستا با همدیگر	۲	۱۳/۵	۹/۸	۲۹/۹	۲۱/۳	۲۳/۴	۳/۲۵
	۱۲	احترام و یک‌دلی و یک‌دستی و احترام به ریش سفیدان بین مردم روستا	۳۱/۸	۵۷	۹/۵	۱/۷	۰	۰	۴/۱۹
شبکه	۱۳	رفت و آمد با اقوام و دوستان و همسایگان	۷/۱	۲۱/۷	۲۹/۲	۳۸/۳	۳/۸	۰	۲/۹
	۱۴	راهنمایی اعضای خانواده شما در هنگام نزاع و دعوا از سوی افراد دیگر	۲/۱	۶۶/۸	۵/۴	۱۸/۳	۶/۶	۰/۸	۳/۳۷
	۱۵	شرکت در جلسات بسیج یا شورا یا انجمن اولیا و یا انتخابات	۳/۷	۲۵	۲۴/۶	۲۲/۱	۱۰/۲	۱۴/۳	۲/۴۷
	۱۶	ارتباط و تعامل با مروجان کشاورزی و فروشندگان و شورا و دهیاری و ...	۰/۸	۱/۲	۷/۴	۲۸/۷	۳۱/۱	۳۰/۷	۱/۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

جدول (۸): عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی (درصد)

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	دسترسی به مدارس راهنمایی، دبیرستان و مدرسه بزرگسالان و دوره‌ی شبانه	۰	۷/۸	۴۱/۶	۲۱	۲۶/۷	۲/۹	۲/۲۵
۲	تأثیر دسترسی به این مدارس بر مشارکت در فعالیت‌های مختلف	۴۹	۳۲/۵	۴/۹	۹/۱	۱/۶	۲/۹	۴/۰۹
۴	دسترسی به کتابخانه	۴/۲	۱۲/۱	۱۳	۲۱/۸	۱۰/۵	۳۸/۵	۱/۶۲
۴	دسترسی به خانه بهداشت و امکانات درمانی	۵۳/۱	۱۱/۱	۹/۵	۲/۹	۰/۸	۲۲/۶	۳/۴۵
۵	دسترسی به تشکلهای و باشگاه‌های دختران و زنان برای مشارکت	۰	۰	۱/۶	۰/۸	۲/۹	۹۴/۷	۰/۰۹
۶	دسترسی به خدمات اینترنت	۰/۸	۹/۵	۳۸/۷	۱۸/۱	۸/۶	۲۴/۳	۲/۰۳
۷	تأثیر دسترسی به خدمات بالا بر مشارکت	۲۶/۷	۴۱/۲	۹/۱	۱۳/۶	۴/۵	۴/۹	۳/۵۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

درسی، نوع و محتوای برنامه‌های در حال پخش از رسانه‌های گروهی، نحوه تدریس معلمان و میزان تلاش دولت جهت جلب مشارکت زنان استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی تعداد متوسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی در روستا، تعداد کم دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده در روستا و هم چنین تعداد کم متخصصان و آموزشیاران زن موجود در روستا است.

و/عوامل سازمانی- برای سنجش تأثیر عوامل سازمانی محدود کننده مشارکت زنان، از شاخص‌هایی چون تعداد سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیر رسمی در روستا، تعداد دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده در روستا، میزان حضور زنان در مدیریت روستا، تعداد متخصصان و آموزشیاران زن موجود در روستا، میزان حضور زنان در مجامع عمومی، میزان آگاهی مسئولان از اولویت‌های زنان، محتوای کتاب‌های

و در نهایت میزان تلاش دولت جهت مشارکت زنان (با میانگین وزنی ۲/۷۳)، متوسط است.

ز/ عوامل قانونی - بحث جامعه مدنی، مردم سالاری و مشارکت در ایران در مرحله اجرا هنوز کلی است و در مرحله حقوق فرد و جمع بسیاری از مواضع حقوقی را که در دنیای امروز زیر بنای توسعه است، نا روشن گذاشته است. برای سنجش تأثیر عوامل قانونی و حقوقی محدود کننده مشارکت زنان، از شاخص‌هایی چون منع کار زن به خاطر عدم رضایت شوهر، قانون محدودیت حیطه اشتغال زنان، قانون اشتغال نیمه وقت زنان، قانون بیمه و محدودیت استخدام زنان در برخی ادارات از جمله بانک‌ها و... به دلیل وجود مرخصی‌های زایمان و شیردهی، استفاده شده است.

به ندرت در مدیریت روستا حضور دارند و به ندرت در جلسات شورا شرکت داده می‌شوند. این در حالی است که تقریباً به میزان بالایی در سایر مجامع عمومی برگزار شده در روستا شرکت می‌کنند. میزان آگاهی مسئولان از نیازها و اولویت‌های زنان کم است و در محتوای کتاب‌های درسی در حد متوسط به مشارکت زنان پرداخته شده و نحوه تدریس معلمان در حد متوسط به صورت مشارکتی است. محتوای برنامه‌های در حال پخش از رسانه‌های گروهی به میزان متوسط تقویت کننده ایفای نقش‌های جدید توسط زنان در جامعه است. طبق نظرخواهی از زنان در مجموع محتوای برنامه‌های تلویزیونی، به میزان زیادی در افزایش مشارکت آنان نقش مثبت داشته است. آنان معتقدند مسئولان در حد کم تا بسیار کم به درد دل افراد معمولی روستا گوش می‌کنند

جدول (۹): عوامل سازمانی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی (درصد)

ردیف	گروه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	وجود سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی (شورا، دهیاری، بسیج و ...)	۰	۲۵/۱	۴۵/۷	۱۶/۵	۴/۱	۸/۶	۲/۷۴
۲	برگزار دوره‌های آموزشی و ترویجی	۰	۳/۳	۱/۷	۴۶/۹	۲۴/۱	۲۴/۱	۱/۳۶
۳	میزان حضور زنان در مدیریت روستا	۰/۸	۰	۰/۸	۵/۳	۲۹/۲	۶۳/۸	۰/۴۶
۴	حضور متخصصان و آموزش‌یاران زن برای آموزش مهارت‌ها در روستا	۰	۰/۸	۱۲/۳	۲۶/۷	۲۷/۶	۳۲/۵	۱/۲۱
۵	مشارکت زنان در جلسات شورا و یا سایر نهادهای مدنی	۰	۰	۰/۸	۷	۱۶	۷۶/۱	۰/۳۲
۶	ارزیابی حضور زنان در جلسات و مجامع عمومی	۱۴/۹	۲۷/۷	۲۴	۱۲/۴	۹/۵	۱۱/۶	۲/۹۱
۷	اطلاع مسئولان از نگرشها و اولویت‌های زنان	۰/۴	۴/۱	۱۴	۳۷/۹	۲۰/۲	۲۳/۵	۱/۵۶
۸	ارتباط محتوای کتب درسی دانش‌آموزان با مشارکت زنان	۰/۸	۷/۸	۲۸/۸	۴۳/۶	۱۲/۸	۶/۲	۲/۲۲
۹	ارتباط محتوای برنامه‌های رسانه‌های گروهی با نقش زنان در سطح جامعه	۰/۸	۱۸/۴	۴۱/۴	۳۲/۶	۴/۲	۲/۵	۲/۷۱
۱۰	ارزیابی شیوه‌ی مشارکتی تدریس از سوی معلمان	۱/۷	۱۵/۱	۳۹/۷	۳۶/۸	۹/۶	۷/۱	۲/۵۱
۱۱	تأثیر نوع و محتوای برنامه‌های تلویزیون و سایر رسانه‌ها بر مشارکت زنان در جامعه	۴/۶	۴۷/۱	۲۹/۸	۱۷/۲	۱/۳	۰	۳/۳۶
۱۲	تلاش دولت جهت مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی، اقتصادی	۱/۶	۲۴/۷	۳۴/۲	۲۸	۷/۸	۳/۷	۲/۷۳
۱۳	تأثیر پذیری مسئولان از افراد معمولی روستا	۱/۲	۱/۶	۶/۹	۲۵	۲۷/۸	۳۷/۵	۱/۱۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

جدول (۱۰): عوامل قانونی مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی (درصد)

ردیف	گروه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	تأثیر قانون منع کار زن به خاطر عدم رضایت شوهر بر مشارکت زنان	۷۲	۱۸/۹	۲/۱	۱/۶	۲/۱	۳/۳	۴/۴۷
۲	تأثیر قانون محدودیت حیطه اشتغال زنان بر مشارکت آنان	۳۲/۹	۳۷/۹	۱۰/۳	۱۱/۹	۳/۷	۳/۳	۳/۷۴
۳	تأثیر قانون اشتغال نیمه وقت زنان بر مشارکت آنان	۲۰	۳۲/۱	۲۲/۱	۱۸/۸	۵/۴	۱/۷	۳/۳۷
۴	تأثیر استخدام نکردن زنان در برخی ادارات بر مشارکت آنان	۲۸/۶	۴۲/۷	۱۰/۴	۱۴/۹	۱/۷	۱/۷	۳/۷۷
۵	تأثیر قانون بیمه بر مشارکت زنان	۴۹/۲	۳۳/۵	۹/۱	۳/۳	۲/۵	۲/۵	۴/۱۶
۶	روپرو شدن با موانع قانونی بر سر راه مشارکت خود	۳/۳	۶/۲	۱۱/۱	۶/۲	۴/۱	۶۹/۱	۰/۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی تأثیر بسیار زیاد قانون منع کار زن، به خاطر عدم رضایت شوهر و همچنین تأثیر بسیار زیاد قانون بیمه، بر میزان مشارکت زنان است. آنان به تأثیر زیاد قانون محدودیت حیطه اشتغال زنان، قانون اشتغال نیمه وقت زنان و محدودیت استخدام زنان در برخی ادارات از جمله بانک‌ها و... به دلیل وجود مرخصی‌های زایمان و شیردهی معتقدند. اگر چه نتایج پژوهش که نشان‌دهنده‌ی تأثیر بسیار زیاد تا زیاد محدودیت‌های قانونی و حقوقی بر سر راه مشارکت زنان می‌باشد، اما در مورد آنان صدق نمی‌کند. زیرا آنان به طور متوسط بیان داشته‌اند که جهت مشارکت در امور مختلف، به میزان بسیار کمی با محدودیت‌های قانونی (با میانگین وزنی ۰/۹) مواجه شده‌اند.

توزیع فضایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در

محدوده مورد مطالعه - بر اساس یافته‌های جدول ۱۱ میانگین وزنی عوامل فردی مؤثر بر میزان مشارکت زنان در اکثر روستاها در حد متوسط است. در این میان، روستای برگ دارای بیشترین محدودیت‌های ناشی از عوامل فردی است. میانگین وزنی عوامل اقتصادی مؤثر در میزان مشارکت زنان در اکثر روستاها در حد متوسط است. در این میان روستای برگ دارای بیشترین محدودیت‌های ناشی از عوامل اقتصادی و روستای زاگ دارای کم‌ترین محدودیت‌ها است. میانگین وزنی عوامل فرهنگی مؤثر در مشارکت زنان در اکثر روستاها، در حد متوسط است. در این میان روستای سعدآباد دارای

بیشترین محدودیت‌های فرهنگی و روستای شاه تقی دارای کم‌ترین محدودیت‌ها است. میانگین وزنی عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت زنان در اکثر روستاها، حد متوسط به بالاست. در این میان روستای نصرآباد دارای بیشترین محدودیت‌های ناشی از سرمایه اجتماعی و روستای میان مرغ دارای کم‌ترین محدودیت‌ها است.

میانگین وزنی عوامل اجتماعی (دسترسی) مؤثر در میزان مشارکت زنان در میان روستاها، بین سطوح کم تا زیاد در میان روستاها متغیر است. در این میان روستای نصرآباد دارای بیشترین محدودیت‌های ناشی از عوامل اجتماعی و روستای انداد دارای کم‌ترین محدودیت‌ها است. میانگین وزنی عوامل سازمانی مؤثر در میزان مشارکت زنان در میان روستاها، در حد کم تا متوسط است. در این میان روستای برگ دارای بیشترین محدودیت‌های سازمانی و روستای زاگ دارای کم‌ترین محدودیت‌ها است. میانگین وزنی عوامل قانونی مؤثر در میزان مشارکت زنان در میان روستاها، در حد زیاد و بسیار زیاد است. در این میان روستای نصرآباد بیش از دیگران به تأثیر محدودیت‌های قانونی بر میزان مشارکت زنان معتقدند، ولی زنان روستای شاه تقی تأثیر محدودیت‌های قانونی ذکر شده را بر میزان مشارکت زنان در حد متوسط ارزیابی می‌کنند. در نهایت با در نظر گرفتن تمام عوامل مربوط به موانع مشارکت در روستاهای مورد مطالعه می‌توان گفت که روستای برگ دارای بیشترین محدودیت و روستاهای دوله و سعدآباد دارای کم‌ترین محدودیت هستند.

جدول (۱۱): عوامل مؤثر بر میزان مشارکت از دیدگاه زنان روستایی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

روستا	سعدآباد	قهرآباد	قهرآباد	ماریان	زاک	آنداد	دوله	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
فردی	۲/۳۱	۱/۶۸	۱/۷	۲/۳۹	۲/۳۸	۲/۳۴	۲/۲۷	۱/۸۹	۱/۶۲	۲/۱۵	۲/۰۶	۲/۳	۲/۲۷	۲/۵۷				
اقتصادی	۲/۵۷	۲/۷۸	۲/۵۷	۲/۴	۲/۰۵	۲/۳۶	۲/۵۴	۲/۵۴	۲/۹۸	۲/۴۶	۲/۵۴	۲/۶۱	۲/۸۴	۲/۴۲				
فرهنگی	۲/۸۶	۲/۴۱	۲/۲	۲/۱۴	۲/۳۶	۲/۱۴	۲/۵۵	۲/۵	۱/۹۷	۲/۶۹	۲/۱۸	۲/۶۷	۲/۳۴					
سرمایه اجتماعی	۲/۷۵	۱/۸۱	۱/۹۷	۲/۶۵	۲/۵۸	۲/۵۹	۲/۶۳	۲/۸۱	۱/۹۵	۲/۶۲	۲/۴	۲/۶	۲/۵۴					
اجتماعی (دسترسی)	۱/۹۶	۱/۳۲	۱/۸۱	۲/۵۸	۲/۹۵	۳/۰۱	۲/۵۸	۱/۵۲	۱/۵	۱/۸۶	۱/۸	۱/۴۳	۲/۴۵					
سازمانی	۱/۹۳	۱/۳۷	۱/۴۶	۲/۱۱	۲/۲۵	۲/۱۵	۲	۱/۴۵	۰/۸	۱/۶۳	۱/۲۵	۱/۳۵	۱/۹۰					
قانونی	۳/۶	۴/۲۹	۳/۹۴	۳/۴۱	۳/۰۲	۳/۲	۳/۴۴	۳/۴	۳/۸۶	۳/۶۴	۳/۸۸	۴/۰۹	۳/۳۴					
میانگین	۲/۵۷	۲/۲۴	۲/۲۲	۲/۵۳	۲/۵۱	۲/۵۴	۲/۵۷	۲/۳	۲/۱	۲/۴۴	۲/۳	۲/۴۴	-					

تحلیل ارتباط بین ویژگی‌های مکانی - فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی - یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای جمعیت روستا و عوامل فردی، اجتماعی، سازمانی در روستاهای نمونه ارتباط معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. به این معنا که با افزایش جمعیت روستا

میزان ویژگی‌های مثبت فردی، اجتماعی (دسترسی)، سازمانی افزایش می‌یابد. ولی این ارتباط در مورد عوامل اقتصادی معنی‌دار و منفی است. به این معنا که با افزایش جمعیت روستا، عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان کاهش می‌یابد.

جدول (۱۲): بررسی ارتباط بین عوامل مؤثر بر مشارکت و جمعیت روستا

عوامل مؤثر بر مشارکت	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	P-value	نتیجه آزمون	تحلیل
عوامل فردی	۰/۵۷۷	۰/۰۳۱	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل اقتصادی	-۰/۵۹۴	۰/۰۲۵	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل فرهنگی	-۰/۱۰۸	۰/۷۱۳	پذیرش فرضیه صفر	-
سرمایه اجتماعی	۰/۳۲۱	۰/۲۶۲	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل اجتماعی	۰/۸۰۳	۰/۰۰۱	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل سازمانی	۰/۷۳۶	۰/۰۰۳	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل قانونی	-۰/۴۷۹	۰/۰۸۳	پذیرش فرضیه صفر	-
کل عوامل	۰/۶۴۶	۰/۰۱۳	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

بر اساس جدول (۱۲) می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای فاصله روستا تا مرکز دهستان و عوامل سرمایه اجتماعی و سازمانی در روستاهای نمونه ارتباط معنی‌دار و مثبت وجود دارد. به این معنا که با افزایش فاصله روستا تا مرکز دهستان، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بعد سرمایه اجتماعی و

سازمانی افزایش می‌یابد. ولی این ارتباط در مورد عوامل اقتصادی معنی‌دار و منفی است. به این معنا که با افزایش فاصله روستا تا مرکز دهستان، عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان کاهش می‌یابد. در کل، بین فاصله روستا تا مرکز دهستان و کلیه متغیرهای مستقل ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

جدول (۱۳): بررسی ارتباط بین فاصله روستا تا مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان

عوامل مؤثر بر مشارکت	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	P-value	نتیجه آزمون	تحلیل
عوامل فردی	۰/۳۸۴	۰/۱۷۵	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل اقتصادی	-۰/۵۳۷	۰/۰۴۷	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل فرهنگی	۰/۲۷۰	۰/۳۵۰	پذیرش فرضیه صفر	-
سرمایه اجتماعی	۰/۶۷۳	۰/۰۰۸	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل اجتماعی	۰/۴۶۵	۰/۰۹۳	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل سازمانی	۰/۵۷۷	۰/۰۳۱	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.
عوامل قانونی	-۰/۳۴۱	۰/۲۳۲	پذیرش فرضیه صفر	-
کل عوامل	۰/۶۹۷	۰/۰۰۶	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

بر اساس یافته‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بین فاصله روستا تا شهر مشهد و کلیه عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در روستاهای مورد مطالعه هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد. هم‌چنین بر اساس آزمون کروسکال والیس بین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی با نوع روستا (پایکوهی و دشتی) در روستاهای مورد مطالعه اختلاف

معنی‌داری وجود ندارد. بر پایه‌ی یافته‌های جدول (۱۳) مبتنی بر آزمون کروسکال والیس بین عوامل سازمانی با نوع راه ارتباطی در روستاهای مورد مطالعه اختلاف معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که ویژگی‌های سازمانی در روستاهای دارای راه آسفالت و شوسه با هم تفاوت دارد.

جدول (۱۴): آزمون کروسکال والیس برای بررسی ارتباط بین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و نوع راه ارتباطی

عوامل مؤثر بر مشارکت	P-value	نتیجه آزمون	تحلیل
عوامل فردی	۰/۳۱۱	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل اقتصادی	۰/۰۵۲	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل فرهنگی	۰/۸۱۵	پذیرش فرضیه صفر	-
سرمایه اجتماعی	۰/۷۵۵	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل اجتماعی	۰/۵۳۶	پذیرش فرضیه صفر	-
عوامل سازمانی	۰/۰۴۳	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی داری است.
عوامل قانونی	۰/۳۱۲	پذیرش فرضیه صفر	-
کل عوامل	۰/۳۰۹	پذیرش فرضیه صفر	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

نتیجه گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

افزایش جمعیت روستا و افزایش فاصله آن تا مرکز دهستان عوامل مؤثر بر مشارکت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، سرمایه اجتماعی و قانونی افزایش می‌یابد. اما میان فاصله روستا تا شهر مشهد و موانع مشارکت زنان ارتباط معنی داری وجود ندارد. یعنی میزان فاصله روستا از شهر مشهد تأثیری بر افزایش یا کاهش موانع یا عوامل مؤثر بر مشارکت زنان نداشته است.

برای بررسی رابطه بین عوامل مکانی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون (هر دو متغیر کمی) و کروسکال والیس (یک متغیر رتبه‌ای و دیگری کیفی) مطابق جدول ۱۴ استفاده شده است. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان جمعیت روستا و فاصله روستا تا مرکز دهستان با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بدین معنا که با

جدول (۱۵): بررسی ارتباط بین عوامل مکانی - فضایی و کلیه‌ی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی

عوامل مکانی - فضایی	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	P-value	نتیجه آزمون	تحلیل
جمعیت روستا	۰/۶۴۶	۰/۰۱۳	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی داری است.
فاصله روستا تا مرکز دهستان	۰/۶۹۷	۰/۰۰۶	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی داری است.
فاصله روستا تا مشهد	۰/۴۱۶	۰/۱۳۹	پذیرش فرضیه صفر	ارتباط معنی داری وجود ندارد.
نوع روستا	استفاده از آزمون کروسکال والیس	۰/۹۰۱	پذیرش فرضیه صفر	ارتباط معنی داری وجود ندارد.
نوع راه ارتباطی	استفاده از آزمون کروسکال والیس	۰/۳۰۹	پذیرش فرضیه صفر	ارتباط معنی داری وجود ندارد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

همچنین بر اساس نتایج آزمون کروسکال والیس بین نوع روستا و نوع راه ارتباطی روستا و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان اختلاف معنی داری وجود ندارد. یعنی بین روستاهای پایکوهی و دشتی و روستاهای دارای جاده آسفالت یا شوسه از نظر میزان موانع مشارکت زنان اختلاف معنی داری مشاهده نشده است. البته استثنایی در این میان به چشم می‌خورد بین نوع راه روستاها و میزان عوامل سازمانی آن‌ها اختلاف معنی داری مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه از میان پنج شاخص عوامل مکانی، فقط بین دو شاخص جمعیت روستا و فاصله روستا تا مرکز دهستان با موانع مشارکت زنان رابطه معنی داری وجود دارد، بنابراین در مجموع می‌توان گفت رابطه قوی و مستحکمی میان موانع مشارکت زنان و عوامل مکانی وجود ندارد.

مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود افزایش سرمایه اجتماعی روستاییان عبارتند از:

- تقویت زیرساخت‌های روستایی در زمینه‌های دسترسی به خدماتی مانند واحدهای آموزشی، بهداشتی، رسانه‌های ارتباط جمعی و از مهم‌تر دسترسی به فضای مجازی از طریق اینترنت.
- تأمین آموزش برای زنان و دختران نقش مهمی در شکل‌گیری انواع مشارکت در جوامع روستایی دارد. زیرا آموزش نه تنها برای خود آن‌ها مفید است بلکه تأثیر زیادی بر سلامت کل خانواده آن‌ها دارد و آن‌ها را آماده می‌سازد تا از مزیت کسب فرصت‌های آتی بهره‌مند شوند. منظور از آموزش، صرفاً آموزش رسمی نیست.
- تشکیل بانک اطلاعاتی در ارتباط با شناسایی قابلیت‌های فردی، اقتصادی، فرهنگی و... زنان روستایی و سنجش میزان مشارکت آنان.
- تعیین متولی دقیق برای اداره روستاهای کشور و ساماندهی رسیدگی به مشکلات زنان روستایی.
- ارتقای سطح فرهنگی جوامع روستایی به سوی پذیرش مشارکت همه جانبه زنان در فرایند توسعه.
- تدوین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی بر اساس نیازها و اولویت‌های زنان روستایی و تشویق آنان به مشارکت در این طرح‌ها و رفع موانع قانونی و وضع قوانین حمایتی از زنان در جهت جلب مشارکت آنان در فرایند توسعه.
- تقویت منابع محلی از طریق تشویق زنان جهت حضور در عرصه‌های مدیریتی روستا و فراهم نمودن زمینه‌های دستیابی زنان به تسهیلات مالی و اعتباری.
- تقویت بنیه اقتصادی خانوارهای روستایی و احتساب کار خانگی زنان و سهم آنان از درآمد خانوار در تولید ناخالص ملی و ارائه آن در آمارهای رسمی به همراه فراهم نمودن زمینه‌های خود اشتغالی برای زنان روستایی.

منابع:

- ۱- آجیلی، عبدالعظیم و شیری. شهناز، (۱۳۸۰)، «آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی»، نشریه دهاتی، سال ۱۸، شماره ۵۱.
- ۲- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کرمان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- ۳- استانداری خراسان رضوی، (۱۳۸۹)، آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان مشهد.
- ۴- امیری اردکانی، محمد، (۱۳۸۵)، «موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی»، ماهنامه جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۲.

- ۵- پاپلی یزدی، محمدحسن و ابراهیمی، محمدامیر، (۱۳۸۱)، «نظریه‌های توسعه روستایی»، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت): تهران.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، چاپ هفدهم، انتشارات سمت.
- ۷- خلیلی، محسن، (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵/ شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۸۶-۱۶۵.
- ۸- رضوانی، محمدرضا و علی احمدی (۱۳۸۸)، «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، شماره ششم.
- ۹- رهنمایی، محمدتقی و یوسف اشرفی (۱۳۸۶)، «فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری»، سال پنجم، شماره چهاردهم و پانزدهم.
- ۱۰- شادی‌طلب، ژاله، (۱۳۸۱)، «توسعه و چالشهای زنان ایران»، مجموعه سپهر اجتماعی - ۲. تهران، سلسله انتشارات قطره، ش ۳۰۷.
- ۱۱- شیلینگ، ژاک (۱۳۸۵)، «جغرافیا چیست؟» ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، تهران.
- ۱۲- صالحین، شهرزاد (۱۳۸۲)، «نحوه صرف وقت زنان روستایی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷.
- ۱۳- صفری شالی. رضا (۱۳۸۷)، «عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی»، مجله‌ی زن در توسعه و سیاست، شماره ۲۰، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- ۱۴- عطار، سعید (۱۳۸۷) لپیروردیو: از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۲، شماره ۱۱-۱۲.
- ۱۵- غلامعلی‌زاده. ثمیه و رضایی‌مقدم. کوروش (۱۳۸۸)، «مطالعه‌ی چالش‌های عمده‌ی مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها»، فصل‌نامه‌ی نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۵-۱۹.
- ۱۶- فلیحی، نعمت (۱۳۸۰)، «زنان، توسعه و تعدد نقشها»، نشر برگ زیتون: تهران.
- ۱۷- قلفی، محمد وحید (۱۳۷۸)، «تواناسازی زنان در فرایند توسعه روستایی»، فصلنامه مسکن، شماره ۸۷، صص ۴۷-۳۸.
- ۱۸- کریشنا، آینرود، (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، نشر شیرازه: تهران.
- ۱۹- کلاتری، خلیل (۱۳۸۲)، «سنجش سطح توسعه‌ی روستایی در شهرستان تربت حیدیه»، ۷۹-۱۳۶۵، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۰، صص ۴۱-۵۴.
- ۲۰- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲)، «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۲.
- ۲۱- گل شیری اصفهانی، زهرا، خادمی، حسین، صدیقی، رضا و مهدی تازه (۱۳۸۶)، «تاثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره یک.
- ۲۲- محمودی نژاد، هادی، پور جعفر، محمد رضا، بمانیان، محمد رضا، انصاری، مجتبی و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۷)، «پدیدارشناسی محیط شهری: تاملی در ارتقای فضا به مکان شهری»، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره چهار.
- ۲۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان مشهد.
- ۲۴- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۰)، «زن و مشارکت سیاسی و اجتماعی»، نشر برگ زیتون: تهران.
- ۲۵- مصفا، نسرین، (۱۳۷۵)، «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه: تهران.

۲۶- میرترابی. مهدیه سادات، حجازی. یوسف و حسینی. سید محمود، (۱۳۸۹)؛ «عامل‌های ارتباطی تاثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا»، کرج، مجله‌ی زن و جامعه، سال اول، شماره‌ی ۴، صص ۱۹-۳۲.

۲۷- میرک‌زاده. علی اصغر، علی‌آبادی. وحید و شمس. علی (۱۳۸۹)، «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، فصل‌نامه‌ی روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره‌ی ۲، صص ۱۴۷-۱۶۵.

۲۸- الوانی، سیدمهدی و ضرغامی فرد، مژگان، (۱۳۸۰)، «نقش زنان در توسعه»، ماهنامه علمی - آموزشی مدیریت (تدبیر)، شماره ۱۱۳.

۲۹- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت شهروندان تهرانی»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۶.

۳۰- یونسکو، (۱۳۷۶)، «بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی»، ترجمه تیمور محمدی، سازمان برنامه و بودجه: تهران.

31- Azahari, D. H. (2008), "Indonesian rural women: The role in agricultural development". Analisis kebijakan Pertanian. 6 (1): 1-10.

32- Damisa, M. A. and Yohanna, M. (2007), "Role of rural women in farm management decision making process". World Journal of Agricultural Sciences 3 (4): 543-546.

33- Hoque, M. and Itohara, Y. (2008), "Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro-credit organizations in Bangladesh". Journal of Social Sciences 4(3): 229-236.

34- Muraleedharan. K. (2008), "Dynamics of people participation in development: A study with special reference to women participation in the local level planning in Kerala", Eldis Participation Resource Guide.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی